

معمای بزرگ پیش روی جوان ایرانی

شاید مساله اصلی این نباشد که جوان ایرانی هویت خود را در فضای دیجیتال از دست داده است، بلکه مساله مهمتر این است که هویت او در محیطی تازه در حال بازتعریف است.



شاید مساله اصلی این نباشد که جوان ایرانی هویت خود را در فضای دیجیتال از دست داده است، بلکه مساله مهم تر این است که هویت او در محیطی تازه در حال بازتعریف است.

خبرگزاری مهر، سرویس دین، حوزه و اندیشه، سامان سفالگر: نسل جوان امروز در جهانی زندگی می کند که مرز میان «آنچه هست» و «آنچه نشان می دهد» هر روز کمرنگ تر می شود. تلفن همراه و شبکه های اجتماعی دیگر صرفا ابزار ارتباط و سرگرمی نیستند، بلکه به بخشی از محیط اجتماعی تبدیل شده اند که جوان در آن خود را تعریف می کند، دیگران را می سنجد، سلیقه هایش را شکل می دهد و درباره جایگاه خود در جامعه تصمیم می گیرد. اگر در گذشته بخش مهمی از هویت فرد در خانواده، مدرسه، دانشگاه، محله و روابط اجتماعی شکل می گرفت، امروز فضای دیجیتال نیز به یکی از میدان های اصلی هویت یابی تبدیل شده است. میدانی که قواعد آن با زندگی واقعی تفاوت های جدی دارد.

یکی از مهم ترین ویژگی های این جهان تازه، امکان ساختن تصویری انتخاب شده از خود است. کاربر می تواند آن بخش از زندگی اش را نمایش دهد که مطلوب تر، موفق تر یا جذاب تر به نظر می رسد و بخش های دیگر را پنهان کند. در نتیجه، فاصله میان «خود واقعی» و «خود مجازی» ممکن است بیشتر شود. زمانی که تایید دیگران، تعداد دنبال کنندگان (فالوورها)، میزان دیده شدن یا دریافت واکنش مثبت به معیار ارزشمندی فرد تبدیل شود، هویت نیز در معرض فشار قرار می گیرد.

با این حال، نمی توان هر تغییری را بحران هویت نامید و نمی توان فضای مجازی را عامل همه مشکلات نسل جدید دانست. جهان دیجیتال همزمان فرصت و تهدید است. می تواند امکان یادگیری، ارتباط، خلاقیت و بیان فردی را فراهم کند و در عین حال، فرد را در معرض مقایسه اجتماعی، مصرف گرایی، نمایش دائمی و فشار برای شبیه شدن به الگوهای خاص قرار دهد.

این مساله برای جوان ایرانی ابعاد پیچیده تری دارد. او همزمان با ارزش های خانوادگی و فرهنگی، با شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه خود و جهانی مواجه است که بدون واسطه از طریق تلفن همراه وارد زندگی روزمره اش شده است. در چنین شرایطی، مساله اصلی این نیست که آیا جوان ایرانی هویت خود را از دست داده است یا نه بلکه مساله این است که هویت او در برخورد میان این جهان های متفاوت چگونه در حال بازتعریف است.

از این رو، خبرگزاری مهر در گفتگو با «محمدرضا پی سپار»، استاد دانشگاه و حوزه و امام جمعه سابق مسجد نیوکاسل در انگلیس، به واکاوی چند پرسش مهم در این رابطه پرداخته است.

مشروح گفتگو را در ادامه مطالعه فرمایید.

برای آغاز بحث، آیا اساسا می توان از بحران هویت جوان ایرانی در عصر دیجیتال سخن گفت؟

اگر منظورمان از بحران هویت، از دست رفتن کامل هویت باشد، خیر. چنین برداشتی بیش از اندازه ساده انگارانه است. آنچه امروز با آن مواجهیم، بیشتر تغییر در فرآیند هویت یابی است. جوان امروز در چند محیط متفاوت زندگی می کند و هر محیط می تواند ارزش ها و انتظارات متفاوتی داشته باشد. خانواده، دانشگاه، دوستان، رسانه های داخلی و فضای مجازی هرکدام بخشی از جهان ذهنی او را شکل می دهند. بنابراین مساله اصلی، دشوارتر شدن انتخاب و تثبیت هویت است.

این تغییر چه تفاوتی با تجربه نسل های گذشته دارد؟

نسل های گذشته نیز با تضاد میان سنت و مدرنیته یا میان خواسته های فردی و انتظارات اجتماعی مواجه بودند، اما سرعت و گستردگی مواجهه با الگوهای مختلف به اندازه امروز نبود. یک جوان امروز تنها با محیط پیرامون خود مقایسه نمی شود. او هر روز با صدها و هزاران سبک زندگی مواجه است. این حجم از انتخاب می تواند فرصت باشد، اما همزمان فشار انتخاب را نیز افزایش می دهد.

در این میان، «هویت نمایشی» چه جایگاهی پیدا می کند؟

هویت نمایشی زمانی شکل می گیرد که فرد بیش از آنکه صرفاً زندگی کند، دائماً به این فکر کند که چگونه دیده می شود. فضای مجازی این امکان را به وجود آورده که هر فرد ویتیرینی از زندگی خودش بسازد. مشکل زمانی آغاز می شود که این ویتیرین جای زندگی واقعی را بگیرد.

برای مثال، فرد ممکن است به جای اینکه از یک سفر یا یک موفقیت لذت ببرد، دائماً به این فکر کند که چگونه آن را ثبت و منتشر کند تا واکنش بیشتری دریافت کند. به تدریج، نگاه دیگران می تواند وارد تعریف فرد از خودش شود. این همان نقطه ای است که هویت از یک امر درونی و اجتماعی، به یک پروژه دائمی برای نمایش تبدیل می شود.

نقش الگوریتم ها در این فرآیند چقدر جدی است؟

بسیار جدی است، اما نباید نقش آنها را اغراق آمیز کرد. الگوریتم ها بر اساس رفتار کاربر، محتوایی را که احتمال می دهند بیشتر مورد توجه او قرار گیرد، بیشتر نمایش می دهند. بنابراین فرد ممکن است به تدریج در یک فضای محتوایی خاص قرار بگیرد و تصور کند آنچه در صفحه اش می بیند، تصویری کامل از جامعه است.

این موضوع در حوزه سبک زندگی اهمیت ویژه ای دارد. اگر یک جوان دائماً با تصاویری از ثروت، ظاهر خاص، مصرف کالاهای گران قیمت یا نوع مشخصی از موفقیت مواجه شود، ممکن است این تصور در او شکل بگیرد که این الگوها معیار طبیعی موفقیت هستند. در حالی که آنچه در فضای مجازی دیده می شود، الزاماً نماینده واقعیت جامعه نیست.

آیا این مساله می تواند هویت ایرانی را تحت تاثیر قرار دهد؟

بدون تردید فضای دیجیتال بر نگرش فرهنگی تاثیر می گذارد، اما این تأثیر الزاماً به معنای تضعیف هویت ایرانی نیست. فضای مجازی همان اندازه که امکان ورود الگوهای فرهنگی جهانی را فراهم کرده، امکان بازنمایی فرهنگ ایرانی را هم ایجاد کرده است.

مشکل زمانی به وجود می آید که ما هویت ایرانی را امری کاملاً ثابت تصور کنیم و انتظار داشته باشیم نسل جوان بدون پرسش و گفت و گو آن را بپذیرد. هویت فرهنگی زمانی ماندگار می شود که نسل جدید بتواند با آن ارتباط برقرار کند و در بازتعریف آن نقش داشته باشد. اگر میان ارزش های فرهنگی و تجربه روزمره جوان فاصله ایجاد شود، طبیعی است که این فاصله به مساله ای جدی تبدیل شود.

پس آیا باید درباره تقابل «فرهنگ ایرانی» و «فرهنگ جهانی» صحبت کنیم؟

من بیشتر از تقابل، از تعامل و گاهی کشمکش صحبت می کنم. جوان ایرانی امروز می تواند همزمان به فرهنگ خود تعلق داشته باشد و از عناصر فرهنگ جهانی استفاده کند. هویت انسان مدرن چندلایه است. ممکن است یک فرد در یک موقعیت بسیار ایرانی فکر و رفتار کند و در موقعیتی دیگر از یک الگوی جهانی استفاده کند. این لزوماً تناقض نیست.

اشتباه زمانی رخ می دهد که تصور کنیم جوان برای انتخاب یکی از این دو باید دیگری را کنار بگذارد. مساله مهم این است که او قدرت انتخاب و تحلیل داشته باشد و بداند چه چیزی را و چرا انتخاب می کند.

خانواده در این شرایط چه نقشی دارد؟

خانواده باید از «کنترل صرف» به سمت «گفت و گو» حرکت کند. اگر والدین فقط درباره مدت زمان استفاده از تلفن همراه سوال کنند، بخش مهمی از مساله را از دست می دهند. پرسش مهم تر این است که فرزندشان چه محتوایی می بیند، چرا آن محتوا برایش جذاب است و پس از مصرف آن چه احساسی دارد.

وقتی خانواده فضای گفت و گو ایجاد نکند، احتمال پنهان کاری بیشتر می شود. اما اگر جوان بتواند بدون ترس درباره تجربه های خود در فضای دیجیتال صحبت کند، خانواده می تواند نقش مهمی در شکل گیری نگاه انتقادی او داشته باشد.

آیا مدرسه و دانشگاه نیز در این زمینه مسوولیتی دارند؟

قطعا. سواد رسانه ای نباید فقط به آموزش چند توصیه درباره امنیت اینترنت خلاصه شود. جوان باید یاد بگیرد محتوایی را که می بیند تحلیل کند. بداند تبلیغات چگونه کار می کنند، الگوریتم ها چه نقشی دارند، چرا مقایسه اجتماعی می تواند بر اعتماد به نفس اثر بگذارد و چگونه میان واقعیت و نمایش دیجیتال تفاوت بگذارد.

ما به جای کاربرانی که فقط می دانند چگونه از فناوری استفاده کنند، به شهروندانی نیاز داریم که بدانند فناوری چگونه بر آنها اثر می گذارد.

برخی معتقدند محدود کردن دسترسی به شبکه های اجتماعی می تواند از آسیب های هویتی جلوگیری کند. نظر شما چیست؟

محدودیت به تنهایی پاسخ مساله هویت نیست. حتی اگر دسترسی به یک پلتفرم محدود شود، پرسش های مربوط به هویت، سبک زندگی و مقایسه اجتماعی همچنان باقی خواهند ماند. ماله اصلی این است که جوان قدرت تحلیل داشته باشد.

البته جامعه درباره حریم خصوصی، امنیت داده ها، محتوای آسیب زا و حمایت از کودکان و نوجوانان حق سیاست گذاری دارد اما سیاست گذاری با حذف مساله متفاوت است. اگر قرار باشد سیاست فرهنگی موثر باشد، باید در کنار تنظیم گری، آموزش و توانمندسازی را نیز جدی بگیرد.

مهم ترین خطری که جوان امروز در فضای مجازی با آن مواجه است چیست؟

شاید مهم ترین خطر، مقایسه دائمی باشد. جوان در فضای مجازی معمولا «پشت صحنه» زندگی دیگران را نمی بیند. فقط ویتترین را می بیند. زندگی خودش اما مجموعه ای از موفقیت ها، شکست ها، نگرانی ها و لحظات عادی است. وقتی این زندگی واقعی با ویتترین دیگران مقایسه شود، طبیعی است که فرد احساس کند از دیگران عقب مانده است.

در چنین شرایطی ممکن است فرد به جای اینکه از خودش بپرسد «من چه می خواهم؟»، دائما بپرسد «دیگران از من چه می خواهند؟». این تغییر پرسش، از نظر هویتی بسیار مهم است.

آیا مسوولیت این وضعیت فقط بر عهده خود جوان است؟

خیر. اگر جوان در محیطی قرار گرفته که دائما او را با الگوهای متفاوت مواجه می کند، نمی توان تمام مسوولیت را متوجه خودش کرد. خانواده، نظام آموزشی، رسانه ها و سیاست گذاران هم در این فرآیند نقش دارند.

اگر از جوان انتظار داریم هویت فرهنگی خود را حفظ کند، باید امکان گفت وگو درباره این هویت را هم به او بدهیم. اگر از او می خواهیم در برابر تبلیغات و الگوهای مصرفی مقاومت کند، باید ابزار تحلیل در اختیارش قرار دهیم. نمی توان از یک طرف جوان را مخاطب تصمیم ها دانست و از طرف دیگر، او را از فرآیند گفت وگو درباره مسائل خودش کنار گذاشت.

در نهایت، آیا می توان از «بحران هویت» عبور کرد؟

اگر مساله را درست تعریف کنیم، بله. شاید بهتر باشد به جای ترس از فضای دیجیتال، تلاش کنیم نسل جدید را برای زندگی در آن آماده کنیم. جوان امروز قرار نیست به جهان پیش از اینترنت بازگردد. بنابراین هدف نباید حذف فناوری از زندگی او باشد. هدف باید افزایش قدرت انتخاب و تحلیل او باشد.

هویت چیزی نیست که یک بار ساخته شود و برای همیشه ثابت بماند. هویت در طول زندگی تغییر می کند و با تجربه های جدید شکل می گیرد. جهان دیجیتال نیز یکی از مهم ترین تجربه های نسل جدید است. اگر جامعه بتواند به جای برخورد صرفا سلبی، با این تحول وارد گفت وگو شود، فضای مجازی می تواند از یک تهدید بالقوه به فرصتی برای آگاهی، خلاقیت و بازتعریف هویت تبدیل شود.

بنابراین شاید مساله اصلی این نباشد که جوان ایرانی هویت خود را در فضای دیجیتال از دست داده است. مساله مهم تر این است که هویت او در محیطی تازه در حال بازتعریف است و جامعه باید یاد بگیرد چگونه این تغییر را بفهمد، با آن گفت وگو کند و به جای تصمیم گرفتن به جای جوان، قدرت انتخاب آگاهانه را در اختیار او قرار دهد.